

A comparative study of Arbitration in Disputes Arising from Letters of Credits (L/C)

Seyed Younes Nooranimoghaddam*

Assistant Professor of Law at Bu-Ali Sina University in Hamadan., Hamadan, Iran

Mehrnaz Mokhtari

Ph.D. Student in Private Law, Bu-Ali Sina University of Hamedan, Hamadan, Iran

(Email: mehrnaz.mokhtari20@gmail.com)

(Received: 2021/08/22, Accepted: 2022/01/20)

Abstract

Letters of credits are considered as a common method in commercial transactions for payment, disputes may arise from obtaining letters of credits and payment, and parties have tendency to resolve disputes through arbitration. Also letters of credits has been made up of several related contracts that have been concluded for common aim in spite of having legal autonomy. The purpose of this article is to provide a definition and overview of the function of letters of credits in the field of international trade and study of arbitrability of disputes arising from documents and letters of credits and extend the material scope of arbitration clause to other related contracts. In relation to the arbitrability of disputes arising out of letters of credit, the principle is based on the arbitrability of all disputes. International Center for Letter of Credit Arbitration has proposed specialized arbitration in this area. The Center's regulations indicate that arbitration in this area is carried out by experts involved in international banking operations. Regarding with the arbitration clause in the contract between principal and beneficiary, personal scope of arbitral tribunal is not extended due to the principle of independence of letters of credits and Doctrine of Privity of contract to the relations of other contracts, but issues related to letters of credits can be within the jurisdiction of the arbitral tribunal, although the tribunal cannot issue a binding award on third party.

Keywords

arbitration, arbitration clause, disputes, letters of credits.

* Corresponding Author; Email: S.nooranimoghaddam@basu.ac.ir, fax:081-38381296

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۳، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۱

صفحات ۴۴۳ تا ۴۵۸ (علمی - پژوهشی)

مطالعه تطبیقی داوری در اختلافات اعتبارات اسنادی

سید یونس نورانی مقدم*

استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

مهناز مختاری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

(Email: mehrnaz.mokhtari20@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰)

چکیده

اعتبارات اسنادی به‌عنوان روشی رایج برای پرداخت در معاملات تجاری به‌کار می‌رود. ممکن است در خصوص تحصیل اعتبارات اسنادی و پرداخت آن اختلاف ایجاد شود و در این صورت، طرفین تمایل به حل اختلافات از طریق داوری داشته باشند. همچنین اعتبارات اسنادی از چند قرارداد مرتبط به هم تشکیل شده است و با اینکه هر یک از قراردادهای از استقلال حقوقی برخوردارند اما به لحاظ اقتصادی و کارکردی برای تحقق هدفی مشترک منعقد شده‌اند. هدف از این مقاله ارائه تعریف و بررسی اجمالی کارکرد اعتبارات اسنادی در عرصه تجارت بین‌الملل و مطالعه داوری‌پذیری اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی و گسترش قلمرو موضوعی و شخصی شرط داوری به سایر قراردادهای مرتبط با آن است. در مورد داوری‌پذیری اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی، اصل بر داوری‌پذیر بودن تمام اختلافات بین طرفین اعتبارات اسنادی است و در این راستا مرکز بین‌المللی برای داوری اعتبارات اسنادی داوری تخصصی را در این حوزه پیشنهاد داده است. مقررات این مرکز نشان‌دهنده این موضوع است که داوری در این حوزه از سوی کارشناسان مرتبط با عملیات بانکداری بین‌المللی انجام می‌شود. در خصوص شرط داوری در قرارداد فی‌مابین اصیل و ذی‌نفع، قلمرو شخصی دیوان داوری به دلیل حاکم بودن اصل استقلال اعتبارات اسنادی و اصل نسبی بودن قراردادهای به روابط اشخاص دیگر تسری پیدا نمی‌کند، اما مسائل مرتبط با اعتبارات اسنادی می‌تواند در محدوده صلاحیت دیوان داوری قرار گیرد، اگرچه دیوان نمی‌تواند حکم الزام‌آوری در مورد اشخاص ثالث صادر کند.

واژگان کلیدی

اختلاف، اعتبارات اسنادی، داوری، شرط داوری.

مقدمه

در عرصه تجارت بین‌الملل یکی از روش‌های پرداخت استفاده از اعتبارات اسنادی است. خریدار و فروشنده به دلیل بُعد مسافت و ضرورت‌های ناشی از تجارت بین‌المللی و یا عدم اطمینان به یکدیگر در خصوص تأدیة ثمن و تحویل کالاها از اعتبارات اسنادی استفاده می‌کنند. امروزه اعتبارات اسنادی در تجارت بین‌الملل رواج دارد و یکی از دلایل محبوبیت آن، انتقال خطر عدم پرداخت از خریدار به بانک و به‌عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌ها و کاهش احتمال عدم وصول مبالغ و کالاها در عرصه تجارت بین‌المللی است. باوجود این محبوبیت، ممکن است بین طرفین در خصوص تفسیر، تحصیل اعتبارات اسنادی و پرداخت آن اختلاف حاصل شود، در این صورت، داوری روشی مؤثر در حل اختلافات از نظر سرعت و کارایی است. گشایش اعتبارات اسنادی ممکن است مبتنی بر قراردادهای بین خریدار و فروشنده و هر یک از اینها با بانک‌های ذی‌ربط باشد. در این شرایط، اعتبارات اسنادی متشکل از چند قرارداد مرتبط به هم است که با وجود برخورداری از استقلال حقوقی، به لحاظ اقتصادی و کارکردی برای تحقق هدفی مشترک منعقد شده‌اند. در صورت حدوث اختلاف در این قراردادها، مسئله این است که آیا داوری در مورد آنها (قراردادهای مبنا یا مرتبط) قابل اعمال است؟ در خصوص داوری‌پذیری اختلافات مرتبط با اعتبارات اسنادی، مرکز بین‌المللی مقررات خاصی را برای داوری پیش‌بینی کرده است، اما در عمل بیشتر بانک‌ها به دلایلی راغب به ورود به مرحله داوری نیستند. از این رو، هدف نگارندگان این مقاله بررسی این پرسش‌ها است: آیا اختلافات مربوط به اعتبارات اسنادی داوری‌پذیرند؟ با فرض پاسخ مثبت و وجود شرط داوری در یکی از قراردادها، امکان تسری آن به قراردادهای مرتبط دیگر وجود دارد؟

۱. اعتبارات اسنادی

مهم‌ترین و رایج‌ترین روش پرداخت بین‌المللی روش اعتبارات اسنادی است که به‌موجب آن بانک گشاینده اعتبار بنابه درخواست مشتری (متقاضی اعتبار/خریدار) و یا از طرف خود موظف می‌شود به‌منظور خرید در مقابل اسناد مقرر و مطابق با شرایط اعتبارات، پرداختی را به فروشنده (ذی‌نفع) انجام دهد. در اعتبارات اسنادی با وساطت بانک‌ها منافع فروشنده و خریدار به نحو مطمئنی تضمین و نگرانی‌های آنها رفع می‌شود. بانک به فروشنده اطمینان می‌دهد چنانچه اسناد مقرر در اعتبارات اسنادی ارائه و شرایط یادشده در آن محقق شود، مبلغ اعتبارات اسنادی را به وی پرداخت کند (shiravi, 1393: 247). اعتبارات اسنادی به‌طور گسترده در تجارت بین‌الملل رایج است و از این روش پرداخت در شرایطی که فروشنده به پرداخت ثمن کالاها یا خدمات ارائه‌شده اطمینان ندارد، استفاده می‌شود (Hatami Alamdari)

(2016:130). در این روش پرداخت، بین منافع فروشنده و خریدار توازن برقرار و منافع هر دو طرف قرارداد حفظ می‌شود (رفیعی، ۱۳۸۷: ۵۳).

به‌منظور همسان‌سازی مقررات مربوط به اعتبارات اسنادی اقداماتی از سوی اتاق بازرگانی بین‌المللی انجام شده است که تحت عنوان عرف‌ها و رویه‌های متحدالشکل اعتبارات اسنادی^۱ معرفی می‌شوند. ماده ۲ این مقررات متحدالشکل در یکی از بندهای خود در خصوص تعریف اعتبارات مقرر می‌دارد: «اعتبارات یعنی هرگونه ترتیباتی، به هر نام یا توصیفی، که دربرگیرنده تعهد قطعی و برگشت‌ناپذیر بانک گشاینده نسبت به پذیرش پرداخت اسناد ارائه‌شده طبق شرایط اعتبارات است».

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اعتبارات اسنادی استقلال آن به‌عنوان یک سند تجاری است. طبیعتاً اعتبارات اسنادی برای پرداخت وجهی گشایش پیدا می‌کند که متکی به یک رابطه حقوقی است. مثلاً قراردادی بین فروشنده و خریدار منعقد می‌شود و در آن قرارداد مشتری متعهد می‌شود که یک فقره اعتبارات اسنادی به نفع فروشنده نزد بانکی گشایش کند. شرایط مندرج در اعتبارات اسنادی ممکن است با شرایط مندرج در قرارداد پایه متفاوت باشد. اصولاً بانک‌ها خود را درگیر مسائل قراردادی میان فروشنده و خریدار نمی‌کنند، بلکه فقط به شرایطی اکتفا می‌کنند که در متن اعتبارات اسنادی درج شده است (شیروی، ۱۳۹۳: ۲۶۳).

در ماده ۴ مقررات متحدالشکل به‌صراحت اعتبارات اسنادی از قرارداد پایه جدا شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «اعتبارات بر اساس ماهیت، خود معامله‌ای جدا از قرارداد فروش یا سایر قراردادهای مبنای گشایش اعتبارات است. بانک‌ها به هیچ‌عنوان درگیر و یا متعهد به قراردادهای مزبور نیستند، حتی اگر در اعتبارات به نحوی به این قراردادهای اشاره شده باشد. در نتیجه تعهد بانک نسبت به قبول پرداخت، معامله اسناد و یا انجام هر تعهد دیگر به ادعاهای و یا دفاعیات متقاضی اعتبارات در خصوص رابطه با بانک گشاینده و یا ذی‌نفع وابسته نمی‌باشد». این اصل استقلال در نظام کامن‌لا و نظام رومی-ژرمنی به‌رسمیت شناخته شده است و در نتیجه، تعهد مندرج در اعتبارات اسنادی بستگی به اعتبار یا بی‌اعتباری، اجرا یا عدم اجرای دو قرارداد (قرارداد بین ذی‌نفع-اصیل و قرارداد بین صادرکننده-اصیل) ندارد (Draguiev, 2016: 96).

عدم همراهی با پیشرفت‌ها و دستاوردهای فناوری اطلاعات، تجارت و بانکداری الکترونیکی آفتی برای مقبولیت اعتبارات اسنادی است و به‌منظور استمرار مقبولیت مقررات اعتبارات اسنادی این مقررات از سوی سازمان‌های ذی‌ربط باید به‌روز شود. سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه اتاق بازرگانی بین‌المللی با آگاهی از این مطلب در جهت به‌روزرسانی مقررات اعتبارات اسنادی و استفاده از دستاوردهای دانش و فناوری در این باره تلاش‌هایی کرده‌اند و اتاق

بازرگانی بین‌المللی همگام با فناوری‌های جدید در زمینه ارتباطات و پیشرفت‌های شگرف در این راستا در سال ۲۰۰۲ پیوستی را در مورد اعتبارات اسنادی الکترونیکی^۱ تدوین و معرفی و در سال ۲۰۰۷ آن را به‌روزرسانی کرده است. به جهت اشکالات فنی و حقوقی عملاً استقبال مطلوبی از آن نشده است (صادقی نشاط، ۱۳۹۸: ۵۲۸). آخرین نسخه (۲،۰) مقررات اعتبارات اسنادی الکترونیکی با ابتکار کمیسیون بانکداری اتاق بازرگانی بین‌المللی در سال ۲۰۱۹ پس از رایزنی با کمیته‌های ملی اتاق بازرگانی^۲ در ۱۴ ماده به‌منظور همراهی با بانکداری و تجارت الکترونیکی تدوین و معرفی شده است.^۳

۲. چالش‌های داوری در اختلافات اعتبارات اسنادی

در تجارت بین‌المللی به‌طور بالقوه خطرهایی برای فروشنده و خریدار وجود دارد؛ از یک سو، فروشنده باید از وصول بهای کالاها و خدمات فروخته‌شده اطمینان حاصل کند و اگر فروشنده از بانک صادرکننده که اغلب بانک خریدار است اطلاع نداشته باشد یا اعتمادی به وی نباشد، امنیت و منافع او در تجارت می‌تواند به‌خطر بیفتد. از سوی دیگر، خریدار نیز با خطر بزرگی مواجه است، زیرا هیچ تضمینی برای دریافت کالاها و خدماتی که بهای آن را تأدیه نموده است وجود ندارد؛ ممکن است کالاها و خدمات اساساً تحویل نشود یا به اشتباه و باکیفیت پایین‌تری تحویل شود.

اعتبارات اسنادی در نتیجه شرط فروشنده برای حصول اطمینان صادر می‌شود و از این طریق ثمن را در زمان ارسال کالاها دریافت خواهد کرد. فروشنده باید اسناد را مطابق با آنچه که در اعتبارات اسنادی شرط شده است، تحویل دهد. بانکداری بین‌المللی برآورد کرده است که شرایط اعتبارات تقریباً در ۷۵ درصد مجموعه اسناد ارائه‌شده رعایت نشده است. این احتمال وجود دارد که در خصوص تفسیر اعتبارات، مقررات و اسناد بین‌المللی مربوطه بین طرفین قرارداد اختلاف ایجاد شود، در این صورت اختلافات باید بر مبنای روش‌های محتمل حل‌وفصل گردد (Längerich, 2009: 241).

داوری به‌عنوان یک راه حل‌وفصل جایگزین رسیدگی قضایی برای اختلافات و دعاوی مزایایی دارد و هدف از داوری فراهم کردن راهی عادلانه برای حل‌وفصل اختلافات از سوی دیوان داوری بی‌طرف بدون اطاله و به‌بار آوردن هزینه‌های اضافی بیان شده است (ضرابی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). در مورد امکان داوری در دعاوی، رویه کشورهای متفاوت است. برخی از کشورها داوری‌پذیری اختلافات و دعاوی را به‌عنوان اصل قبول کرده، در عین حال، استثناهایی برای این اصل پذیرفته‌اند. در بعضی کشورها اختلافات و دعاوی داوری‌ناپذیر شمارش شده‌اند و در برخی دیگر برای قابلیت داوری

1. Electronic Uniform Customs and Practices for Documentary Credits(e-UCP).

2. ICC National Committees(ICCNCs)

3. <https://cdn.iccwbo.org/content/uploads/sites/3/2019/06/icc-uniform-customs-practice-credits-v2-0.pdf>

اختلافی ضابطه‌هایی به‌عنوان مانع تعیین و معرفی شده است که عمدتاً نظم عمومی، قابلیت واگذاری حق، ماهیت اقتصادی حق و صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها است. در مانعیت این امور برای داوری‌پذیری اختلافات مناقشه و درنهایت رد شده است (بهمنی، ۱۳۹۷ «الف»: ۳۵). برای ارجاع اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی به داوری تمایل کمتری وجود دارد، برای اینکه در دادرسی‌های قضایی، دادگاه‌های ملی در اختلافات مشابه ناشی از اعتبارات اسنادی ممکن است با لحاظ منافع و مصالح ملی آرای متفاوتی صادر کنند و می‌توان در این باره به پرونده‌های زیادی اشاره کرد (Aladwan, 2020: 46-47). هرچند قابلیت ارجاع به داوری اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی در مقررات به‌طور صریح پیش‌بینی نشده، اما پذیرش عمومی در این باره وجود دارد و این امر بدیهی است. ارجاع اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی به داوری در مقایسه با دادگاه مزایایی دارد. طرفین اختلاف در انتخاب قانون حاکم و تشکیل دیوان داوری نسبت به دادگاه‌ها آزادی بیشتری دارند، زیرا در دادخواهی از طریق دادگاه، طرفین اختلاف اختیارات زیادی ندارند. با این حال، اعتبارات اسنادی مشمول عرف‌ها و رویه‌های متحدالشکل اعتبارات اسنادی هستند؛ هرچند که تفاسیر مختلفی در خصوص آنها ارائه شده است. از این رو، بسیاری از اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی به داوری ارجاع می‌شود. داوری‌پذیری به معنای امکان رسیدگی و صدور رأی در یک دعوا از طریق داوری است و نظام‌های گوناگون حقوقی مواضع متفاوتی در این باره دارند و به این سبب تعیین قانون حاکم بر این امر اهمیت پیدا می‌کند. در مورد تعیین قانون حاکم بر سنجش داوری‌پذیر بودن یا نبودن یک اختلاف، ملاک‌هایی ارائه شده و حقوق‌دانان نظریاتی مطرح کرده‌اند (بهمنی، ۱۳۹۷ «ب»: ۵۴۶). مرکز بین‌المللی برای داوری اعتبارات اسنادی، داوری تخصصی را در این حوزه پیشنهاد می‌دهد و مقررات آن از مقررات داوری آنسیترال الگوبرداری شده است (Carre et al, 2010: 437). این مرکز داوری یکی از مؤسسه‌هایی است که خدمات داوری مرتبط با اختلافات اعتبارات اسنادی را ارائه می‌دهد. در چند سال اخیر، استفاده از داوری بین‌المللی برای حل اختلافات مرتبط با اعتبارات اسنادی افزایش قابل توجهی یافته است. فعالیت‌های اتاق بازرگانی بین‌المللی و تدوین مقررات ویژه برای اعتبارات اسنادی نمونه‌های بارزی است که استقبال از داوری در این زمینه را نشان می‌دهد (Hatami Alamdari, 2016: 131).

در بیانیه استقرار مرکز داوری برای اعتبارات اسنادی^۱ ۱۹۹۷ اعلام شد که مقررات مرکز می‌تواند رویکرد سنتی مؤسسات مالی نسبت به داوری را تغییر دهد. مرکز داوری برای اعتبارات اسنادی، مقررات داوری برای اختلافات اعتبارات اسنادی را در سپتامبر ۱۹۹۶ با حمایت جامعه اعتبارات اسنادی پذیرفته است. ویژگی بارز این مقررات این است که داوری از سوی کارشناسان از حوزه‌های مرتبط با عملیات بانکداری بین‌المللی انجام می‌شود.

1. A 1997 announcement of the establishment of the International Center for Letter of Credit Arbitration.

از کارکردهای مقررات این مرکز، تغییر رویکرد سنتی و حمایت از روش داوری تخصصی برای تبدیل به روشی مقبول برای حل اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی است. با توجه به اینکه انتخاب روش داوری برای رسیدگی به اختلافات از نظر زمان و هزینه مقرون به صرفه است، تأکید کلی مقررات مرکز بر سرعت و کارایی فرایند است. برای مثال، اغلب مقررات این مرکز دارای محدوده زمانی هستند که طرفین یا دیوان داوری باید آنها رعایت کنند (Brown, 2017: 15). به طور خلاصه، مانع حقوقی یا قراردادی برای استفاده از داوری در اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی وجود ندارد.

بیشترین امتیاز استفاده از روش داوری در مقایسه با دادگاه این است که طرفین می‌توانند کارشناسان حوزه اعتبارات اسنادی را که همراه با داور تصمیم اتخاذ می‌کنند، انتصاب نمایند. از این رو، طرفین اطمینان دارند که تصمیم تا میزان قابل توجهی مبتنی بر نظر کارشناس است. علاوه بر این، دیوان می‌تواند از کارشناسان به عنوان گواه دعوت نماید و امتیاز دیگر آن، عدم انتشار تصمیمات است. بنابراین، اختلاف طرفین به صورت خصوصی حل و فصل می‌شود و از سوی دیگر همانند احکام دادگاه‌ها، آرای داوری اثر الزام‌آور و قابلیت اجرا خواهند داشت (Längerich, 2009: 248).

با وجود امیدواری اولیه برای مقررات مرکز نوپا، داوری در اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی کمتر استفاده می‌شود. برخی نشانه‌ها حاکی از تغییر نگرش بانک‌ها، مؤسسات مالی و آزادی بیشتر آنها برای پذیرش داوری است. با وجود این، تلاش‌ها برای تغییر نگرش در افزایش استفاده از خدمات حل اختلاف این مرکز موفقیت‌آمیز نبوده است (Brown, 2016: 15).

بانک‌ها برای حل اختلافات خود به روش داوری اعتماد ندارند، زیرا داوران به عرف داخلی بانکداری آشنا نیستند (Alavi, 2016: 60). همچنین بانک‌ها استدلال می‌کنند که تجربه دادگاه‌ها در مراکز مالی برای حل اختلافات و صدور حکم به مراتب بیشتر از داوران است؛ از این رو، نیازی به رجوع به داوری در این موارد نیست. با استفاده از داوری برای حل اختلافات، بانک‌ها از دسترسی به رسیدگی اختصاری و بدون تشریفات^۱ دادگاه‌ها محروم خواهند شد. از دلایل دیگر برای عدم تمایل بانک‌ها به استفاده از روش داوری به عنوان روش حل اختلاف می‌توان به مشکلات مربوط به اجرای احکام داوری بین‌المللی در مقایسه با اجرای دستور دادگاه داخلی و احتمال تأخیر در فرایند داوری اشاره کرد.

طبق آمار اتاق بازرگانی بین‌المللی در سال ۲۰۰۳، معلوم شد که تنها در ۹ پرونده بانک‌ها مداخله داشته‌اند. گزارش‌های آماری از اتاق داوری بازرگانی بین‌المللی حاکی از این است که در سال ۱۹۹۴ تنها ۷.۱۱ درصد از اختلافات ارائه شده مرتبط با بانک‌ها بوده است. برعکس، خیلی

1. Summary judgment.

از نویسندگان بر این عقیده هستند که داوری به‌عنوان روش مؤثر از نظر زمان و هزینه، روش مقبولی در جامعه بانکداری است. دلایل و توجیهات بانکها در عدم استقبال از داوری در اختلافات اعتبارات اسنادی قابل مناقشه و رد است، زیرا در این داوری‌ها می‌توان از متخصصان و کارشناسان بانکی استفاده کرد که در این صورت این موضوع به نقطه قوت و جذاب این نوع داوری‌ها تبدیل خواهد شد، به‌گونه‌ای که برابر گزارش اخیر اتاق بازرگانی بین‌المللی، میزان داوری‌ها در اختلافات بانکی و مالی بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ از ۷٫۲ درصد به ۱۵ درصد افزایش یافته است (Aladwan, 2020: 51).

۳. گسترش شرط داوری^۱ در گروه قراردادی

اعتبارات اسنادی در تجارت بین‌المللی ساختار پیچیده‌ای دارد، زیرا حداقل چهار قرارداد و چهار شخص در فرایند تحصیل و بهره‌برداری اعتبارات اسنادی دخیل هستند؛ از این رو، استدلال شده است که از دلایل عدم مقبولیت روش داوری در حل اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی، تعدد قراردادها و طرفین است که روش داوری را به روش حل اختلاف چالش‌برانگیز تبدیل کرده است (Hatami Alamdari, 2016: 131).

با پیچیده شدن فعالیت اقتصادی، قراردادهای متعددی برای فعالیت اقتصادی واحد میان اشخاص منعقد می‌شود، که ارتباط متقابل این قراردادها و تعهدات ناشی از آنها به شناسایی مفهوم گروه قراردادی^۲ منجر شده است. انعقاد مجموعه قراردادهای مرتبط در روابط تجاری بین‌المللی با یکدیگر بسیار رایج است. در بسیاری از موارد، قرارداد اصلی بین دو طرف منعقد شده، سپس بر مبنای آن قراردادهای فرعی دیگری با جزئیات دقیق‌تر تنظیم و منعقد می‌شود. در مواردی نیز ممکن است قرارداد اصلی با قراردادهای دیگر تعدیل و اصلاح شود یا خاتمه یابد. همچنین در مواردی قراردادهای مختلف بدون اینکه با یکدیگر از لحاظ حقوقی رابطه‌ای داشته باشند، از این جنبه با یکدیگر مرتبط می‌شوند که همه آنها هدف اقتصادی واحدی را دنبال می‌کنند (کشکولی، ۱۳۹۵: ۱۲۱). پس ملاحظات و ضرورت‌های حقوقی، اقتصادی و منطقه‌ای تنظیم و امضای قراردادهای متعدد در یک زمان را توجیه می‌کند.

گروه قراردادی، متشکل از قراردادهایی است که در قالب رابطه تجاری واحدی بین اشخاص مشابه یا متفاوت منعقد می‌شوند و صرف نظر از برخورداری از استقلال حقوقی، میان آنها یا به‌طور خاص میان تعهدات ناشی از آنها نوعی وابستگی اقتصادی و ارتباط متقابل وجود دارد که به‌عنوان یک قرارداد واحد تلقی و تفسیر می‌شوند. قراردادهای در صورتی که از نظر رابطه

1. Extention the arbitration clause.

2. Group of contracts .

اقتصادی یا وابستگی کارکردی با یکدیگر ارتباط متقابل داشته باشند، قراردادهای مرتبط تلقی می‌شوند. در واقع، گروه قراردادهای برای رسیدن به هدف مشترک با هم ارتباط دارند (Kondev, 2017: 14-15). روابط قراردادی معمولاً مشتمل بر فعالیت‌های اقتصادی درازمدت بوده که متشکل از چندین قرارداد متمایز و مرتبط به هم است. در بسیاری از موارد، انواع مختلفی از قراردادهای باعث شکل‌گیری معامله تجزیه‌ناپذیر می‌شود، گویی واحدی اقتصادی و عملیاتی پشت سر مجموعه‌ای از قراردادهای پنهان شده است که به رابطه‌ای اساسی منتج می‌شود (Leboulanger, 1996: 47). به عبارت دیگر، گروه قراردادی با هدف یکسان، متشکل از قراردادهای مختلفی است که برای تحقق هدفی مشترک بین اشخاص مشابه یا متفاوت منعقد می‌شوند. علی‌رغم آنکه هر یک از قراردادهای موضوع خاص خود را دارد و سبب مستقیم هر یک، متفاوت از دیگری است، اما همه آنها برای تحقق هدفی واحد و اجرای عملیات اقتصادی پیچیده‌ای منعقد و اجرا می‌شوند.

حاکمیت رابطه تبعیت بین قراردادهای ایجاب می‌کند که گروهی متشکل از قرارداد اصلی و قراردادهای فرعی به‌مانند گروه شرکت‌ها^۱ شناسایی شوند. مبنای اساسی نظریه گروه شرکت‌ها رأی دیوان داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی در پرونده معروف «داو کمیکال»^۲ بود. در این پرونده، دو شرکت فرعی از گروه «داو کمیکال» برای توزیع و فروش محصولات خود در فرانسه دو قرارداد حاوی شرط داورى را با چند شرکت منعقد نمودند که آن شرکت‌ها سپس به شرکت فرانسوی واگذار شدند. پس از بروز اختلاف، دو شرکت فرعی «داو کمیکال» امضاکنندگان قراردادهای حاوی شرط داورى همراه با شرکت مادر و شرکت فرعی دیگری از این گروه که قراردادهای حاوی شرط داورى را امضا نکرده بودند، رسیدگی داورى را علیه شرکت فرانسوی آغاز کردند. در نتیجه، خوانده نسبت به صلاحیت دیوان داورى برای استماع ادعاهای دو شرکت غیرامضاکننده قراردادهای حاوی شرط داورى اعتراض کرد (بهمنی، ۱۳۹۴: ۱۵۷). دیوان داورى بیان کرد که شرکت مادر «داو کمیکال» نسبت به شرکت‌های فرعی امضاکننده قراردادهای حاوی شرط داورى نقش مسلطی داشته و شرکت فرعی غیرامضاکننده نیز به‌طور مؤثری در انعقاد، اجرا و خاتمه قراردادهای مورد اختلاف ایفای نقش کرده و از مراحل مختلف انعقاد، اجرا و خاتمه قراردادهای آگاه بوده و این مسئله را در انعقاد قرارداد خود در نظر گرفته است. همچنین دیوان باید عرف‌های مرتبط با نیازهای تجاری بین‌الملل را به‌ویژه در صورت وجود گروه شرکت‌ها که صرف نظر از هویت قانونی مشخص اعضا، یک واقعیت اقتصادی واحد و یکسان را تشکیل می‌دهد، در نظر بگیرد.

در نهایت، دیوان داورى صلاحیت خود را نسبت به تمام اطراف تأیید کرد و مقرر نمود که

1. Group of companies.
2. Dow Chemical.

اوضاع و احوال و اسناد ارزیابی شده در این پرونده حاکی از این است که این اعمال صلاحیت منطبق با اراده مشترک تمام اطراف قراردادها است (Hannotiau, 2011: 544-545). این تسلط شرکت مادر و مشارکت شرکتها در اجرای قرارداد منعقدشده مورد توجه است، و تحلیل روابط بین قراردادهای مرتبط در گروه قراردادی همانند تحلیل روابط بین اعضای گروه شرکتها در تفسیر درست اراده طرفین امری اجتناب‌ناپذیر است. هنگامی که قراردادهای مختلف، هر یک جزئی از یک قرارداد و توافق کلی را تشکیل دهند، آثار حقوقی مهمی بر روابط آنها مترتب می‌شود که از جمله آنها گسترش شرط داوری مندرج در یکی از قراردادها به تمام اختلافات و تمام اشخاص درگیر در معامله تجاری واحد است. بی‌تردید وجود گروه شرکتها در راستای تأیید وجود گروه قراردادها و پذیرش گسترش هم‌زمان قلمرو شخصی و موضوعی شرط داوری نقش قاطعی داشته است (بهمنی، ۱۳۹۴: ۴۴).

اعتبار اسنادی دربرگیرنده حداقل سه نوع رابطه حقوقی مستقل و متمایز از هم است که سرنوشت آنها به‌نوعی با هم درآمیخته، در کل مجموعه واحدی را تشکیل می‌دهد: رابطه بین خریدار یا متقاضی اعتبارات و فروشنده یا ذی‌نفع اعتبارات، رابطه بین متقاضی و بانک صادرکننده اعتبارات، و رابطه بین بانک صادرکننده و ذی‌نفع. روابط حقوقی موصوف ماهیت قراردادی دارند؛ با این حال، اگرچه اعتبارات اسنادی از معامله پایه بین خریدار و فروشنده مستقل است، به معامله پایه وابسته بوده، دارای اهداف مشترکی است، به‌گونه‌ای که همه اینها ارکان یک منظومه واحدند (Draguiev, 2016: 99). پس، از ملاکها و آثار تشکیل گروه شرکتها با توجه به مشابهت چشمگیر بین گروه شرکتها و گروه قراردادی، در تسری شرط داوری از قرارداد مبنا به قراردادهای فرعی می‌توان استفاده کرد.

۴. گسترش صلاحیت شخصی دیوان در داوری اعتبارات اسنادی

قلمرو صلاحیت دیوان را می‌توان هم از نظر شخصی و هم از لحاظ موضوعی مورد بررسی قرار داد. منظور از صلاحیت شخصی، محدود کردن رسیدگی و استماع دعوا و صدور رأی به طرفین قرارداد داوری است، زیرا اصل نسبی بودن قراردادها مستلزم محدود کردن رسیدگی داور و صدور رأی به طرفین قرارداد داوری و عدم شمول و تسری آن به اشخاص ثالث است (مافی، ۱۳۸۷: ۱۱). قرارداد طرفین، اختیار تصمیم‌گیری درباره اختلافات را به دیوان داوری اعطا می‌کند. در واقع، رضایت هر شخصی به داوری او را به آن داوری و آثارش ملتزم می‌سازد. این مطلب قلمرو شخصی قرارداد داوری و صلاحیت دیوان داوری نامیده می‌شود. طبق اصل نسبیت قراردادها، تنها اشخاصی که قرارداد داوری را امضا کرده‌اند به آن ملتزم می‌شوند. دیوان داوری تنها در صورت امکان گسترش شرط داوری، نسبت به اشخاصی که قرارداد داوری را امضا

نکرده‌اند، صلاحیت دارد. از این رو، نظریه گروه شرکت‌ها به‌عنوان مفهومی برای گسترش قلمرو شخصی اختیار دیوان داوری مورد استناد قرار می‌گیرد (Wehowsky, 2017: 838).

امروزه با پیچیده‌تر شدن فعالیت‌های اقتصادی، تنظیم روابط قراردادی مستلزم انعقاد قراردادهای مستقل، ولی مرتبط با یکدیگر است. تعهدات ناشی از قراردادهای مختلف با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و تفسیر اراده اطراف قراردادها حاکی از این است که آنها مجموعه واحدی از گروه قراردادها را برای تحقق عملیات واحد منعقد کرده‌اند. دیوان داوری در برخورد با این قراردادها، باید میزان وابستگی این قراردادها را با یکدیگر بررسی و تعیین کند که این قراردادها کل واحد و تفکیک‌ناپذیری را شکل می‌دهند یا نه؟ (بهمنی، ۱۳۹۴: ۳۶). نظریه گروه شرکت‌ها در موردی که اشخاصی قرارداد اصلی متضمن شرط داوری را امضا نکرده‌اند، ولی طرف و امضاکننده یکی از قراردادهای فرعی گروه قراردادی هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در اصل ۹ از مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی مصوب ۲۰۱۲ مقرر شده است که «قراردادهای چندجانبه مشمول بند ۳ و ۷ از اصل ۶ و بند ۴ از اصل ۲۳، دعاوی ناشی از یا مرتبط با بیشتر از یک قرارداد می‌تواند در داوری واحد رسیدگی شود، صرف نظر از اینکه چنین دعاوی‌ای با یک یا بیشتر از یک قرارداد داوری طبق مقررات شکل گرفته باشد»^۱.

این شرط زمینه را برای رسیدگی به دعاوی چندجانبه ناشی از قراردادهای چندجانبه در دادرسی واحد را فراهم می‌کند. این رسیدگی بدون توجه به اینکه چند قرارداد داوری وجود دارد، میسر است و اگر قراردادهای داوری چندجانبه وجود داشته باشد، ضرورتی برای شروع چند دادرسی نیست. با این حال، در مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی مصوب ۲۰۱۲ به شرایطی که دعاوی ناشی از قراردادهای چندجانبه و تنها یک قرارداد داوری وجود داشته باشد، توجه زیادی نشده است (Hlubucek, 2015: 27). این مقررات در فرض وجود یک شرط داوری در یکی از قراردادها و امکان تسری آن به سایر قراردادها ساکت است. در این مقررات تنها به اعتبار مؤثر شرط داوری واحد در مقابل همه افرادی که در اختلاف چندطرفه هستند، توجه شده است؛ در حالی که حاکمیت قانون واحد بر همه روابط موجود در اعتبارات اسنادی می‌تواند در حل و فصل اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی مفید و مؤثر باشد.

موضوعی که دیوان داوری باید طبق مقررات آی‌سی‌سی‌سی مصوب ۲۰۱۲ بررسی کند این است که تمام افراد درگیر به قرارداد خاصی متعهد هستند. علاوه بر این، باید احراز شود که قرارداد داوری خاص می‌تواند به تمام قراردادهای مورد اختلاف تسری یابد. تصمیمات دیوان داوری بستگی به شرایطی مانند رابطه افقی و عمودی بین قراردادها و واقعیات اقتصادی دارد.

1. Subject to the provisions of Articles 6(3)-6(7) and 23(4), claims arising out of or in connection with more than one contract may be made in a single arbitration, irrespective of whether such claims are made under one or more than one arbitration agreement under the Rules.

رابطه حقوقی ناشی از چارچوب توافقی که دارای شرط داوری است و قراردادهای بعدی نیز در قالب این چارچوب خاص منعقد شود، ایجاب می‌کند که شرط داوری از قرارداد بالایی بر قراردادهای متعاقب (طولی) اعمال شود. اختلافات ناشی از قراردادهای بعدی می‌تواند مشمول قواعد حل اختلاف در خصوص قراردادی که مشتمل بر شرط داوری است، بشود. دادگاه فرانسوی مقرر کرد که در زمان وجود قراردادهای متوالی^۱ و وجود یک شرط داوری در اولین قرارداد، شرط داوری می‌تواند به قرارداد بعدی تسری یابد (Hlubucek, 2015: 38-41).

در رابطه قراردادی افقی، یک طرف قرارداد دو یا چند قرارداد مستقل با اشخاص مختلف منعقد می‌کند؛ برای نمونه در بخش ساختمانی، کارفرما با طراح و پیمانکار اصلی یا با چندین پیمانکار دیگر برای تکمیل بخش‌های مختلف یک ساختمان قراردادهایی را منعقد می‌سازد. رابطه قراردادی عمودی در شرایطی است که هر طرف قرارداد دو قرارداد مرتبط را با اشخاص مختلف منعقد می‌کند. برای نمونه، کارفرما قراردادی را با پیمانکار اصلی و پیمانکار نیز قراردادی را با مجری ثانوی قرارداد منعقد می‌سازد (Kondev, 2017: 14).

دیوان داوری در پرونده‌ای^۲ با استناد به نظریه گروه قراردادهای صلاحیت خود را نسبت به قرارداد فاقد شرط داوری تأیید کرد. استدلال دیوان بر این امر مبتنی بود که هرگاه طرفین در قرارداد شرط داوری را پیش‌بینی کرده باشند، هر اختلاف ناشی از قرارداد بعدی، مشمول آن شرط داوری می‌شود، مگر آنکه در قراردادی که اختلاف خاصی از آن نشئت می‌گیرد، شرط داوری متفاوت یا توافق بر عدم ارجاع اختلاف به داوری وجود داشته باشد. تمام دعاوی در برابر این دیوان داوری مشمول شرط داوری هستند. در نتیجه، همه دعاوی در صلاحیت این دیوان داوری در اتاق بازرگانی زوریخ قرار دارند. در این پرونده، دیوان داوری با لحاظ چارچوب رابطه تجاری و قراردادهای اشخاص در مجموعه قراردادی، ارتباط متقابل آنها و تعهدات ناشی از قراردادهای مجموعه، اراده اطراف رابطه حقوقی را تفسیر کرده و قلمرو شرط داوری را نسبت به قرارداد فاقد شرط داوری گسترش داده است.

در پرونده‌ای شخص «الف» با شخص «ب» قرارداد حاوی شرط داوری منعقد کرده بود، سپس شخص «ب» قرارداد ضمانتی را که حاوی چنین شرطی نبود با شخص «ج» منعقد کرد. دیوان عالی کشور فرانسه اعلام کرد که شخص ضامن که طرف قرارداد اصلی نیست، نمی‌تواند به شروط آن قرارداد، به‌ویژه به شرط داوری آن، استناد کند. چنین امری از آثار اصل نسبی بودن قراردادهای تلقی می‌شود. تعمیم شرط داوری مندرج در قرارداد اصلی به قرارداد ضمانت

1. successive agreements

2. Zurich Chamber of Commerce, Award in Case No. 273/95, 31 May 1996, Raw Material Processor (Hungary) and Processing Group (Argentina) v. Raw Material Seller (Russian Federation) (The "Argentine Processing" Case).

متقابل^۱ نیز به دلیل استقلال کامل این قراردادها از یکدیگر و با توجه به اصل نسبی بودن اثر قراردادها در مقام قیاس پذیرفته نمی‌شود. در مورد قراردادهای ضمانت، آرای متعددی حاکی از آن است که دیوان دآوری خود را نسبت به اختلافات ناشی از قرارداد ضمانت بین اطراف ضمانت‌نامه بانکی صالح نمی‌داند، با این استدلال که قرارداد ضمانت مستقل از قرارداد اصلی قلمداد می‌شود. با وجود این، دیوان دآوری می‌تواند به مسائل مربوط به ضمانت‌نامه، به‌ویژه اعتبار یا مطالبه غیرقانونی آن در روابط بین اطراف دآوری بپردازد (Hannotiau, 1999: 16-17). در خصوص اعتبارات اسنادی که صدور آن مبتنی بر وجود روابط پیشین بین اصیل و ذی‌نفع است، در واقع در صورتی که اصیل و ذی‌نفع رابطه قراردادی پیش از آن نداشته باشند، تصور مدیون بودن صادرکننده نسبت به ذی‌نفع مشکل است. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، رابطه بین اصیل و ذی‌نفع مستقل از اعتبارات اسنادی و اختلافات ناشی از آن است. این اختلافات باید بر مبنای آنچه که در قرارداد بین اصیل و ذی‌نفع توافق شده است، حل شود. بنابراین، اگر در قرارداد اعتبارات اسنادی نیز شرط دآوری وجود داشته باشد، تأثیری بر رابطه بین اصیل و ذی‌نفع نخواهد داشت (Draguiev, 2016: 96).

۵. امکان گسترش صلاحیت موضوعی دآوری در اعتبارات اسنادی

منظور از صلاحیت موضوعی، رعایت قلمرو موضوع قرارداد و استماع موضوع ارجاعی بر اساس توافق طرفین است، زیرا توافق اصحاب دعوا در تعریف دقیق و جامع موضوع مورد اختلاف هم در موقعیت دیوان دآوری مؤثر است و هم حدود صلاحیت داوران را به‌خوبی مشخص و معین می‌کند (مافی، ۱۳۸۷: ۱۱). دیوان دآوری به‌موجب و برابر شرط دآوری مندرج در یکی از قراردادها تشکیل می‌شود. سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که تا چه اندازه دیوان دآوری صلاحیت بازبینی قراردادهایی را که شرط دآوری در آنها قید نشده است دارد؟

۵.۱. دآوری‌پذیری اعتبارات اسنادی بر مبنای شرط دآوری بین اصیل و ذی‌نفع

قاعده این است که قرارداد دآوری تنها اصیل و ذی‌نفع را ملتزم کند و معمولاً صلاحیت رسیدگی به روابط میان ذی‌نفع و صادرکننده را ندارد. اگرچه اعتبارات اسنادی از قرارداد بین ذی‌نفع و اصیل مستقل است، با این حال، این موضوع با معامله اصلی ارتباط دارد، به‌گونه‌ای که اجزای یک مجموعه واحد را تشکیل می‌دهند. اصیل تعهد می‌کند تا اعتبارات اسنادی را به نحو مقرر در قرارداد پایه به نفع فروشنده افتتاح

1. Counter-guarantee contract

کند، این تعهد در محدوده قرارداد اصیل و ذی‌نفع است که با اعتبارات اسنادی ارتباط دارد. قلمرو اصل استقلال به این معناست که صادرکننده نمی‌تواند دفاعیات خود را بر مبنای رابطه بین اصیل و ذی‌نفع قرار دهد؛ با این همه، در واقع این دو رابطه درهم‌تنیده و مرتبطاند. امکان دارد که از دیوان داوری بازنگری افعال ذی‌نفع در مقابل صادرکننده (بانک) در زمان اختلاف بین اصیل و ذی‌نفع درخواست شود. مثال رایج این است که اختلافی بین اصیل و ذی‌نفع در خصوص مطالبه انجام‌شده وجه از سوی ذی‌نفع از صادرکننده وجود داشته باشد؛ ذی‌نفع اعتبارات اسنادی را مطالبه می‌کند، اما در تحصیل آن از صادرکننده موفق نمی‌شود. از این رو، ذی‌نفع علیه اصیل با این استدلال که اصیل تعهد قراردادی برای تضمین پرداخت از طریق اعتبارات اسنادی را نقض کرده است طرح دعوا می‌کند. اصیل دفاع می‌کند که اعتبارات اسنادی به موقع فراهم شده، اما صادرکننده در پرداخت آن تخلف کرده است؛ چنان‌که ملاحظه می‌شود مسائل موجود در خصوص ذی‌نفع و اصیل با رابطه صادرکننده و ذی‌نفع به هم مرتبطاند. رویکرد رویه قضایی بر این امر مبتنی است که دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به این مسائل را دارد. مثلاً در پرونده شماره ۵۷۲۱ اتاق بازرگانی بین‌المللی در اختلاف بین اصیل و ذی‌نفع، دیوان داوری صلاحیت خود را برای تصمیم‌گیری در خصوص اینکه ضمانت‌نامه‌ها در چارچوب رابطه بین اصیل و ذی‌نفع معتبرند، پذیرفت. ماهیت مستقل ضمانت‌نامه به این معنا نیست که ریشه در قرارداد اساسی ندارد و به آن مرتبط نیست. چنین مسائلی در قلمرو صلاحیت دیوان داوری قرار می‌گیرد، زیرا علت دعوی^۱ با اعتبارات اسنادی مرتبط بوده، ناشی از قرارداد میان اصیل و ذی‌نفع است. مسائل مرتبط با اعتبارات اسنادی در صلاحیت دیوان داوری است؛ بنابراین، دیوان داوری صلاحیت صدور حکم الزام‌آور علیه صادرکننده را ندارد و همچنین نمی‌تواند مسائل مرتبط با مسئولیت او را بررسی کند. صلاحیت دیوان داوری تنها در مورد مسائلی است که بین طرفین شرط داوری (اصیل - ذی‌نفع) قرار می‌گیرد. از این رو، در صورتی که صادرکننده قبل از سررسید تأدیه کند، دیوان نمی‌تواند در مورد مسئولیت صادرکننده در این خصوص حکم دهد، اما می‌تواند به ذی‌نفع دستور بازگرداندن پول‌های دریافتی را بدهد.

۵.۲. داوری‌پذیری اعتبارات اسنادی بر مبنای قرارداد داوری بین اصیل و صادرکننده

رابطه بین اصیل و صادرکننده، مستقل از رابطه اعتبارات اسنادی است، اما در خصوص طرفین اعتبارات اسنادی (صادرکننده - ذی‌نفع) ممکن است مسائلی مطرح شود که به اختلاف بین اصیل و صادرکننده بینجامد؛ برای مثال، صادرکننده در مقابل ارائه مدارک ناقص، پول را به ذی‌نفع پرداخت و سپس مبالغ پرداختی را از اصیل مطالبه کرد. اصیل این مطالبه را رد و بیان

1. Cause of action

می‌کند که صادرکننده نمی‌بایست در وهله اول به ذی‌نفع وجهی پرداخت می‌کرد. این اختلاف بین صادرکننده و اصیل مطابق با شرط داوری مندرج در قرارداد بین آنها رسیدگی می‌شود. دیوان داوری نمی‌تواند علیه ذی‌نفعی که اسناد مطابق با اعتبارات را ارائه نداده است، احکام الزام‌آوری را صادر نماید، اما دیوان می‌تواند اعمال صادرکننده را بررسی کند. دیوان احراز می‌کند که صادرکننده قرارداد بین صادرکننده و اصیل را نقض کرده است، اما نمی‌تواند به ذی‌نفع دستور اعاده پول‌های تحصیلی بدون جهت را بدهد (Draguiev, 2016: 100-101).

نتیجه

اعتبارات اسنادی از روش‌های رایج در پرداخت بین‌المللی است که خریدار و فروشنده برای افزایش ضریب اطمینان در عرصه تجارت از آن استفاده می‌کنند. در اعتبارات اسنادی سه رابطه وجود دارد؛ اولین رابطه قرارداد بین فروشنده و خریدار، دومین رابطه قرارداد بین خریدار و بانک و سومین رابطه قرارداد بین فروشنده و بانک است. در خصوص داوری‌پذیری اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی، اصل بر داوری‌پذیر بودن تمام اختلافات بین طرفین اعتبارات اسنادی است. مرکز بین‌المللی برای داوری اعتبارات اسنادی داوری تخصصی را در این حوزه پیشنهاد داده است، مقررات این مرکز نشان‌دهنده این موضوع است که داوری در این حوزه از سوی کارشناسان مرتبط با عملیات بانکداری بین‌المللی انجام می‌شود. در واقع از روش داوری تخصصی برای تبدیل داوری به روشی مقبول برای حل اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی استفاده شده است.

در صورت وجود شرط داوری در قرارداد بین فروشنده و خریدار و امکان تسری این شرط به رابطه‌های دیگر در اعتبارات اسنادی می‌توان بیان کرد:

با توجه به اینکه اعتبارات اسنادی از مجموعه قراردادهای تشکیل شده است، در این مجموعه صرف نظر از استقلال حقوقی، میان آنها وابستگی اقتصادی و ارتباط متقابل وجود دارد. وجود رابطه تبعیت در بین قراردادهای ایجاد می‌کند که گروه قراردادی همانند گروه شرکت‌ها شناسایی شود. مبنای اساسی پذیرش نظریه گروه شرکت‌ها پرونده معروف «داو کمیکال» است که دیوان داوری در آن صلاحیت خود را نسبت به کلیه رابطه‌ها تأیید کرد. وجود قراردادهای مختلف که هر یک جزئی از توافق را تشکیل می‌دهد، موجب ترتب آثار حقوقی مهمی بر رابطه‌های مختلف می‌شود که از جمله آنها گسترش شرط داوری است. نظریه گروه شرکت‌ها در تأیید وجود گروه قراردادهای و ترتب آثار از جمله گسترش قلمرو داوری از قرارداد مبنا به قرارداد فرعی می‌تواند نقش مؤثر داشته باشد. گسترش قلمرو شخصی شرط داوری در اعتبارات اسنادی، با توجه به وجود اصل استقلال اعتبارات اسنادی و اصل نسبی بودن آثار قراردادهای قابل

پذیرش نیست، ولی با توجه به اینکه هر سه رابطه یادشده اجزای یک مجموعه واحد را تشکیل می‌دهند، این روابط به هم مرتبط و درهم تنیده‌اند. دیوان داوری اختیار بررسی عملکرد طرفین دیگر قراردادهای و مسائل مرتبط با اعتبارات اسنادی را دارد، زیرا جهت و سبب دعوا یکی است؛ هرچند که این نهاد صلاحیت صدور حکم الزام‌آور در مورد اشخاص ثالث را ندارد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. بهمنی، محمدعلی و شیخ عطار، حسنی (۱۳۹۷ الف). «قابلیت داوری دعاوی حقوق مالکیت فکری نیازمند ثبت» مجله حقوق بین‌المللی، ش ۵۸.
۲. بهمنی، محمدعلی و شیخ عطار، حسنی (۱۳۹۷ ب). «قانون حاکم بر داوری‌پذیری دعاوی» مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، پاییز و زمستان، ش ۲.
۳. بهمنی، محمدعلی و مرادی، فهیمه (۱۳۹۴). «طرف شرط داوری در گروه قراردادی» مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۲، ش ۵۲.
۴. بهمنی، محمدعلی (۱۳۹۲). «اطراف پنهان قرارداد داوری در گروه دولت‌ها» مجله تحقیقات حقوقی، ش ۶۱.
۵. رفیعی، محمدتقی (۱۳۸۷). «تحلیل حقوقی قرارداد گشایش اعتبار اسنادی در حقوق ایران» فصلنامه اندیشه‌های حقوق خصوصی، ش ۱۲.
۶. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). «حقوق تجارت بین‌الملل» تهران، انتشارات سمت.
۷. صادقی نشاط، امیر و باقری‌نیا، حسین (۱۳۹۸). «اعتبارات اسنادی الکترونیک در تجارت بین‌الملل؛ چالشها و راهکارها» مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، ش ۲، فصل پاییز و زمستان.
۸. ضرابی، میترا (۱۳۹۱). «بررسی وجوه اشتراک بین قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران» حقوق تطبیقی، ش ۲.
۹. کشکولی، رسول؛ صادقی، محمود؛ مرادی، محمدعلی؛ شهبازی‌نیا، مرتضی؛ عزیزی، ابراهیم (۱۳۹۵). «گسترش قلمرو شرط داوری از طریق رضایت مفروض» مجله تحقیقات حقوق تطبیقی، ج ۲۰، ش ۴.
۱۰. مافی، همایون (۱۳۸۷). «تحلیلی بر عملکرد دیوان داوری دعاوی ایران- امریکا» پژوهش حقوق و سیاست، ش ۲۴.

ب) خارجی

1. Aladwan, Z. (2020). "Letter of Credit Disputes from an Arbitration perspective"

- Hasanudin Law Review ,Vol. 6, Issue.1, pp. 46-55
2. Alavi, H. (2016).“Arbitration and LC Fraud Disputes: a Comparative Approach”, Russian Journal of Comparative Law,vol. 8,Issue.2, pp. 63 -76.
 3. Brown, M.J. Houthoff, B. (2017). “Value-Adding Predictability: A Way Forward for Non-Legal Arbitrators & Letter of Credit Disputes”, Transnational Dispute Management:TDM2. pp. 14-28
 4. Draguiev, D.(2016). “Arbitrating Bank Guarantees and Letters of Credits”, Dispute Resolution Journal ,vol. 71.no. 3.pp.83-102.
 5. Hannotiau, B. (1999) . “Arbitration and Bank Guarantees” Journal of International Arbitration Vol. 16, Issue. 2 (1999). pp. 15 – 23.
 6. Hannotiau, B. (2011). “Consent to Arbitration: Do We Share a Common Vision?” Arbitration International, vol. 27, no.4 ©LCIA.pp.539-554.
 7. Hatami Alamdari, Bahar. (2016). **The emerging popularity of international arbitration in the banking and financial sector – Is this a fashionable trend or a viable replacement?** Doctoral thesis, University of London.
 8. Hlubucek, J. (2 015). **Multiple Claims from Multiple Contracts in International Commercial Arbitration**, Diploma Thesis, Faculty of Law Masaryk University Law and Jurisprudence.
 9. <https://cdn.iccwbo.org/content/uploads/sites/3/2019/06/icc-uniform-customs-practice-credits-v2-0.pdf>. (Last visit:17 august 2021).
 10. Kondev, D. (2017). **multi-party and Multi-Contract Arbitration In the Construction Industry**. Wiley-Blackwell publication.
 11. Längerich, R.(2009). **Documentary credits in practice**, © Nordea, Second edition.Denmark.
 12. Leboulanger, P. (1996). “Multi-Contract Arbitration”, J. Int’l. Arb, Vol. 13, No. 4.
 13. Wehowsky, A. (2017). “Determining the Law applicable to the personal scope of arbitration agreements and its ‘Extension’” *ASA Bulletin*. Vol. 35, Issue. 4 .pp. 837 – 859.